

ثبت دوشکست
در کارنامه ی
فوتبال شریف

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

صفحه ی ۸

آخرین
شماره ی سال

دانش جو



سلام
و خوش نیامدید!

...دختر لباس شنل آبی رنگش را در آورد و شرمنده به سمت خانواده اش رفت و گفت: «من شرمنده ام، باید برگردیم. نمی شود شما بایستید و من بنشینم.» در این حال به این فکر می کرد که با کارت دعوت چه کار باید بکند....

صفحات ۴ و ۵



جشن فارغ التحصیلی شریف
برگزار شد

صفحه ی ۳



نگاهی به فیلم «ما همه خوبیم»

ما همه سرکاریم

صفحه ی ۸



گفت و گو با دکتر سهراب پور
بنیان گذار مرکز تابش گاما

پرتو ولی هسته ای

صفحه ی ۶



شماره
جدید
نشریه
«کلمه»
منتشر
شد

با حضور مسوولین دانشگاه، رییس مجلس شورای اسلامی و دانش جویان

جشن چهل سالگی شریف برگزار شد

توسط حراست مجلس شورای اسلامی بر این امر بی تاثیر نبود. مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن، پخش سرود ملی ایران و اجرای سرود یادمان چهلمین سال تاسیس دانشگاه توسط گروه کر موسیقی دانشگاه آغاز شد.

ادامه در صفحه ی ۲

سابق دانشگاه، اعضای هیات علمی دانشگاه و تنی از خانواده ی شهدا شرکت داشتند، با استقبال زیاد دانش جویان همراه شد به طوری که در جلوی در ورودی تالارها ازدحام بسیار زیادی ایجاد شده بود. البته کنترل کیف های دانش جویان

بزرگداشت چهلمین سال تاسیس دانشگاه، چهارشنبه ی هفته ی گذشته برگزار شد. در این مراسم که دکتر حداد عادل رییس مجلس شورای اسلامی، مهندس فتاح وزیر نیرو، محمدرضا عارف عضو مجمع تشخیص مصلحت، روسای



نرم نرمک اینک بهار

بهار از آن اتفاق هایی است که نوع ایرانی آن مخصوص ترین و ویژه ترینش است. بهار برای ما فقط سر سبز شدن و شکوفه زدن نیست. بهار ایرانی یعنی بوی پختن سمنو، یعنی خرید شب عید، یعنی له له زدن ماهی گلی که بیرون آب مانده. بهار یعنی آن که یادمان بیاید ایرانی هستیم و به خاطر همین ایرانی بودن است که یک چیزهای مخصوصی داریم که هیچ کس ندارد. بهار همه چیز ماست.

خیلی از ما موقع عبور هر روزه مان در دانشگاه، اصلا این درخت کنار ساختمان کتابخانه ی مرکزی را ندیدیم که چطور تمام وجودش را شکوفه در بر گرفته است. خیلی از ما اصلا نفهمیدیم که چطور سیصد و شصت و پنج روز، روز به روز، ساعت به ساعت و ثانیه به ثانیه آمد و رفت. گاهی وقت های یک لحظه توقف و یک نگاه کردن به پشت سر آدم، خیلی بهتر است از همین جور تند و تند دویدن، بی امان بی هدف، که معلوم نیست قرار است آدم را از کجا سر در بیاورد. این یک سال برای ما هم زود گذشت. تا یک روز چشمانمان را باز کردیم و دیدیم که شماره ی آخر سال رسیده است. ایامتان به کام و خدا حافظ.

شکوفه های درختان رویش در کتابخانه ی مرکزی - عکس از محمداسین جعفری - روزنامه ی شریف

www.sharifdaily.com

همراه با آرشیو شماره های گذشته به صورت pdf

سایت روزنامه ی شریف را هر صبح انتشار ببینید



پس از چهل سال

شریف در آغاز راهی بلند

علمی با عقب نگذاشته اند.» وی ادامه داد: «بعد از پیروزی انقلاب این دانشگاه یک خزانه ی نیرو برای کشور بوده و در هر دولتی چند وزیر از این دانشگاه بوده اند.» حداد عادل با تشکر از پروفیسور رضا دکتر ضرغامی، روسای سابق دانشگاه افزود: «من از همه ی کسانی که در ایجاد و توسعه ی این دانشگاه سهیم بوده اند تشکر می کنم.» دکتر حداد عادل در پایان خطاب به دانش جویان این دانشگاه گفت: «قدر این دانشگاه را بدانید و خود را برای خدمت به ایران عزیز آماده کنید.»

تقدیر از چهل شخصیت دانشگاه

پس از پایان سخنان دکتر حداد عادل، مراسم قدردانی از چهل شخصیت برتر دانشگاه با اهداء لوح تقدیر، سکه ی یادبود و تندیس آغاز گردید. نخستین شخصیتی که از او تقدیر به عمل آمد پروفیسور فضل الله رضا بود و سپس به ترتیب از روسای سابق دانشگاه دکتر مهدی ضرغامی، دکتر علی محمد رنجبر، دکتر عباس انواری، دکتر علی اکبر صالحی، دکتر سید خطیب الاسلام صدرنژاد، دکتر سید محمد اعتمادی و در نهایت از دکتر سهراب پور تقدیر شد.

در بخش دیگر تقدیر، از چهره های ماندگار دانشگاه دکتر مهدی گلشنی، دکتر بهمن مهری، دکتر سیاوش میرشمس شهنشاهی، دکتر همایون هاشمی، دکتر پرویز دوامی، دکتر حسن ظهور و دکتر ابوالحسن وفاپی تجلیل شد.

در ادامه ی این مراسم اساتید نمونه ی آموزشی دانشگاه معرفی شدند، دکتر ابراهیم اسماعیل زاده، دکتر محمدرضا سعیدی، دکتر محمدرضا عارف، دکتر علی کریمی طاهری، دکتر علی رضا خالو، دکتر مهدی جلالی هروی از اساتید نمونه ی دانشگاه بودند. غلام رضا جباری رییس تربیت بدنی، احمد باقری و خانم پوراندخت حسین زاده از کارمندان و مدیران نمونه ی دانشگاه بودند که از آن ها در این مراسم سپاس گزاری و تقدیر شد.

در قسمت دیگر، اساتید پیش کسوت دکتر موسی خالصی زاده، دکتر وحید خوانساری، دکتر ابوالقاسم نجفی، مرحوم دکتر عباس چمران، دکتر غلام حسین دانشی، دکتر منوچهر راد، دکتر علی اکبر سیف کردی، مهندس مسعود معین زاده و مهندس علی مقدسیان بر روی سن آمدند و تجلیل شدند.

پژوهشگران نمونه نیز معرفی شدند. دکتر مقداری (مکانیک)، دکتر فرهاد اردلان (فیزیک)، دکتر امیر منصور پزشکی (شیمی)، دکتر حسین پورزاهدی (عمران) و دکتر عالم زاده (مهندسی شیمی) نیز به عنوان پژوهشگران برگزیده مورد تقدیر قرار گرفتند. مهندس اکبر ترکان، مهندس محمد ملاکی، مهندس بیژن نامدار زنگنه، مهندس غلامرضا شافعی، دکتر غلام عباس مصلی نژاد به عنوان دوست داران و حامیان دانشگاه مورد تقدیر قرار گرفتند. خانواده های شهدای دانشگاه، شهید مجید شریف واقفی و شهید دکتر حسن عباس پور از جمله دیگر تجلیل شوندگان مراسم روز سه شنبه بودند.

پس از اتمام مراسم و تقدیر از ۴۰ شخصیت برتر، کلیه ی برگزیدگان به روی سن رفتند و دسته جمعی عکسی به یادگار گرفتند.

لازم به توضیح است که از سایر اساتید پیش کسوت نمونه در هفته ی معلم طبق برنامه ی ستاد چهلمین سال تاسیس دانشگاه تقدیر به عمل خواهد آمد.

هم چنین از کارمندان و بازنشستگان نمونه ی دانشگاه هم زمان با جشنواره ی شهید رجایی در هفته ی دولت تقدیر خواهد شد.

وی به این که قسمتی از عمرم را در این دانشگاه سپری کردم، افتخار می کنم.» وی ادامه داد: «رژیم این دانشگاه را با هدف ایجاد دانشگاهی برای مقابله با دانشگاه تهران ساخت تا دانش جویان در مقابل رژیم مبارزه نکنند. ولی دانشگاه صنعتی شریف به دانشگاهی که در دست رژیم باشد، تبدیل نشد و دانش جویان این دانشگاه به شدت با رژیم مبارزه می کردند.»

دکتر حداد عادل با اشاره به مدیریت قوی این دانشگاه در تمامی دوره ها، از شایستگی های مرحوم دکتر مجتهدی تقدیر کرد و افزود: «انضباط علمی همواره در این دانشگاه حاکم بوده و سطح علمی دانشگاه هیچ گاه پایین نیامده و در سال های مبارزه با رژیم شاه هم از استانداردهای

رییس مجلس شورای اسلامی با تبریک این روز گفت: «این دانشگاه خاطرات بسیاری را برای من به همراه دارد. زمانی که این دانشگاه تاسیس شد من تازه فارغ التحصیل شده بودم. من از سال ۱۳۵۱ عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی بودم و تا پیروزی انقلاب اسلامی در این دانشگاه مشغول به کار بودم

و غیر جناحی نیز یکی از رموز موفقیت این دانشگاه است.» دکتر سهراب پور در پایان با تجلیل از شهدای دانشگاه پرداخت و گفت: «دانشگاه صنعتی شریف تاکنون ۱۶۰ شهید تقدیم کشور کرده است. اولین شهید دانشگاه هم که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شهید شد، دانش جوی شهید، مجید شریف واقفی است که نام دانشگاه هم بعد از انقلاب با اکثریت آرایه نام این شهید قرار داده شده است.»

انضباط علمی همواره حاکم بوده است

سخن رانی های جشن چهلمین سال با سخنرانی دکتر حداد عادل رییس مجلس شورای اسلامی به پایان رسید.

در حاشیه

کرده بودند که فقط کسانی می توانند در مراسم شرکت کنند که کارت دعوت دریافت کرده اند، در هنگام ورود این کارت ها کنترل نمی شد و بسیاری بدون کارت دعوت، به مراسم راه یافتند. در حالی که بسیاری دیگر در حالی که کارت دعوت داشتند، در پشت درهای بسته باقی ماندند.

● برخورد مسولین حراست مجلس شورای انرژی هسته ای» ... ● علی رغم تدابیری که در نظر گرفته شده بود، هنگام ورود دانش جویان و دیگر مدعوین جلوی درب ورودی تالارهای نظمی و شلوغی مفرطی ایجاد شده بود، به طوری که مسیر ورود به داخل سالن صعب العبور بود.

● به گفته ی مهندس میرزایی (دبیر ستاد چهلمین سال) از نظر ابعاد و تعداد و نوع شرکت کنندگان بی سابقه ترین مراسم در طول عمر دانشگاه بود و جمعیت حاضرین در این مراسم به چهار هزار نفر می رسید.

● پس از پایان مراسم بسیاری از دانش جویان دور پروفیسور رضا جمع شدند و از ایشان امضاء گرفته و با وی صحبت می کردند و یا عکس یادگاری می گرفتند.

● مجری برنامه هر از چندگاهی با احساس و بالحن خاص خود اشعاری را می خواند که مورد استقبال حضار و به خصوص دانش جویان قرار می گرفت.

● به گفته ی مهندس میرزایی استقبالی رسانه ها بسیار کم نظیر بود و در کنار حضور رسانه های داخلی، شبکه های جام جم و سحر نیز در این مراسم شرکت داشتند.

● در حاشیه ی مراسم نمایشگاه عکسی از وقایع مهم و حضور شخصیت های به نام در دانشگاه بر پا بود.

● در کنار این نمایشگاه غرفه ای به منظور عرضه ی سکه یادبود، CD و کتاب عکس دانشگاه و هم چنین توزیع خبرنامه های مرتبط با مراسم دایر بود.

● علی رغم این که در روزهای قبل از جشن اعلام

مدیریت علمی و غیر جناحی نیز یکی از رموز موفقیت این دانشگاه است.»

دکتر سهراب پور در پایان با تجلیل از شهدای دانشگاه پرداخت و گفت: «دانشگاه صنعتی شریف تاکنون ۱۶۰ شهید تقدیم کشور کرده است. اولین شهید دانشگاه هم که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی شهید شد، دانش جوی شهید، مجید شریف واقفی است که نام دانشگاه هم بعد از انقلاب با اکثریت آرایه نام این شهید قرار داده شده است.»

سخن رانی های جشن چهلمین سال با سخنرانی دکتر حداد عادل رییس مجلس شورای اسلامی به پایان رسید.

● پس از پایان مراسم بسیاری از دانش جویان دور پروفیسور رضا جمع شدند و از ایشان امضاء گرفته و با وی صحبت می کردند و یا عکس یادگاری می گرفتند.

● مجری برنامه هر از چندگاهی با احساس و بالحن خاص خود اشعاری را می خواند که مورد استقبال حضار و به خصوص دانش جویان قرار می گرفت.

● به گفته ی مهندس میرزایی استقبالی رسانه ها بسیار کم نظیر بود و در کنار حضور رسانه های داخلی، شبکه های جام جم و سحر نیز در این مراسم شرکت داشتند.

● در حاشیه ی مراسم نمایشگاه عکسی از وقایع مهم و حضور شخصیت های به نام در دانشگاه بر پا بود.

● در کنار این نمایشگاه غرفه ای به منظور عرضه ی سکه یادبود، CD و کتاب عکس دانشگاه و هم چنین توزیع خبرنامه های مرتبط با مراسم دایر بود.

● علی رغم این که در روزهای قبل از جشن اعلام

ادامه از جلد

در ابتدای مراسم مهندس میرزایی دبیر همایش به بیان خلاصه ای از کارهای انجام شده در سال جاری به مناسبت چهلمین سال تاسیس دانشگاه پرداخت و پس از آن دکتر گلشنی از اساتید پیش کسوت دانشکده ی فیزیک به عنوان اولین سخنران، سلسله سخن رانی های جشن را آغاز کرد.

وی اظهار داشت: «در تاسیس دانشگاه دو نکته مهم بود، یکی نیازهای جامعه ی صنعتی ایران برطرف شود و دیگر این که با دانشگاه های نظیرش در دنیا رقابت نماید. دانشگاه در جهت اول گام های بزرگی برداشته است و از نظر علوم پایه بسیار پیشرفت نموده است، ولی در جهت دوم راه زیادی در پیش دارد و علت این است که ما مشق خود را خوب می نویسیم، اما لازم است که سر مشق نویس شویم.»

در ادامه با بخش نمانندگی که به این مناسبت تهیه شده بود و با صدای دست دانش جویان همراه بود، حال و هوای مراسم عوض شد. این نمانندگی بخش های مختلفی از تاریخ دانشگاه را نشان می داد که موسیقی متن آن تلفیقی از چند آهنگ شناخته شده بود.

سپس دکتر صالحی از روسای سابق دانشگاه و معاون دبیر سازمان کنفرانس اسلامی در سخنان خود با اشاره به این که هر نقدی هست بر ما وارد است و هر آملدی که هست بر شما جوانان استوار است، اظهار داشت: «جهان اسلام از نظر علمی در مقایسه با سایر کشورهای جهان تنها دو نیم درصد از تولید علم را به خود اختصاص داده اند که باید تلاش بیش تری را با اعتماد به نفس و خودباوری در پیش گیرند.»

در ادامه ی مراسم دکتر رنجبر از روسای سابق دانشگاه، به تفصیل تاریخچه ی دانشگاه از سال های قبل از انقلاب، پیروزی انقلاب و بعد از آن را به صورت روز شمار بیان کرد. پس از این دو سخن رانی گروه سرود دانشگاه در نوبت دوم خود، با اجرای چند سرود شور و نشاطی به مراسم بخشیدند.

مدیریت علمی و غیر جناحی رمز موفقیت دانشگاه

در ادامه، نوبت به دکتر سهراب پور رسید که به ایراد سخن رانی بپردازد. دکتر سهراب پور، ریاست دانشگاه، نظم و مقررات آموزشی دانشگاه شریف را به عنوان شاخص ترین علت استقبال جوانان از دانشگاه اعلام کرد و گفت: «در این دانشگاه برای ایجاد تحرک علمی دانش جویان برنامه های ویژه ای در نظر گرفته می شود و دانش جویان در مسابقات علمی زیادی به رقابت با یکدیگر می پردازند.»

وی به شاخص های پژوهشی دانشگاه اشاره کرد و گفت: «دانشگاه شریف در خصوص پژوهش های بنیادی و ارائه ی مقالات علمی فعالیت بسیاری را اجرا می کند، به طوری که تاکنون ۱۷۰۰ مقاله توسط اعضای هیات علمی منتشر شده است. در خصوص پژوهش های کاربردی نیز که شاخص آن حجم قراردادهای دانشگاه با صنعت است، در نقطه ی قابل قبولی وجود دارد، به طوری که در سال جاری حجم قراردادهای دانشگاه با صنعت معادل بودجه ی جاری دانشگاه بوده است.» دکتر

سهراب پور، ریاست دانشگاه گفت: «محیط علمی همراه با احترام به قانون از سوی تمامی اقشار دانشگاه صنعتی شریف رعایت می شود و





برنامه‌های عزاداری اربعین

برنامه‌های عزاداری اربعین حسینی در مسجد دانشگاه اعلام شد. در این برنامه‌ها که توسط هیات الزهرا برگزار می‌شود، به مدت ۵ شب از پنج‌شنبه ۲۵ اسفند الی دو شنبه ۲۹ اسفند مجالس سخن رانی برپا خواهد بود. در این جلسات حضرت آیت‌الله... جاویدان بعد از نماز مغرب و عشاء به سخن رانی خواهند پرداخت.

تقدیر کنفرانس نظام پیمانکاری از شریف

در مراسم پایانی کنفرانس ملی توسعه‌ی نظام پیمانکاری که چهارشنبه‌ی گذشته در باشگاه فرمانیه برپا شد، از سوی شورای هماهنگی تشکیل‌های مهندسی، صنفی، حرفه‌ای کشور، از دکتر سهراب پور به منظور قلدردانی از ابتکار دانشگاه در ایجاد فضای تعامل میان صاحب‌نظران، مدیران صنایع و مسوولین کشور، بالوح یادبود انجمن تقدیر شد.

کنفرانس ملی توسعه‌ی نظام پیمانکاری در ساختار صنعتی کشور به منظور بررسی همه‌جانبه‌ی چالش‌ها و راهکارهای توسعه و ارتقاء نظام پیمانکاری، توسط مرکز مطالعات تکنولوژی صنعتی شریف و با همکاری شورای هماهنگی تشکیل‌های مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور در روزهای ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه سال ۸۴ با حضور مسوولین عالی رتبه‌ی کشور، مدیران و کارشناسان بلندپایه و نیز اساتید و محققان دانشگاهی در تهران، سالن اجلاس سران برگزار گردید.

در این کنفرانس ملی با ارائه‌ی ۳۰ سخنرانی کلیدی توسط نمایندگان دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهادهای عمومی، دانشگاه، نهادهای صنفی و بخش خصوصی و هم‌چنین ارائه‌ی ۳۰ مقاله‌ی علمی و تخصصی به همراه میزگرد کارشناسی، تلاش گردید تا به گونه‌ای همه‌جانبه، معضلات و مشکلات موجود و الزامات و راه‌کارهای اساسی توسعه و ارتقاء نظام پیمانکاری به بحث و بررسی گذرانده شود تا از این رهگذر بتوان مسیر راه و برنامه‌ی توسعه‌ی این نظام را که لازمه‌ی توسعه‌ی صنعتی کشور است ترسیم نمود.

شورای راهبردی کنفرانس ملی توسعه‌ی نظام پیمانکاری که متشکل از ۴۰ نفر از مدیران و کارشناسان برجسته‌ی این نظام می‌باشد، پس از جمع‌بندی مباحث مطرح شده در کنفرانس به منظور مدیریت، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ی ملی توسعه و ارتقاء نظام پیمانکاری در کشور، پیشنهاد تشکیل شورایی ملی متشکل از نمایندگان دولت، مجلس، قوه‌ی قضاییه، مجمع تشخیص مصلحت نظام، نهادهای عمومی، بخش خصوصی و نهادهای صنفی و تخصصی را داده است که متولی انجام برنامه‌ی ملی توسعه و ارتقاء نظام پیمانکاری گردد.

شورای راهبردی، تشکیل شورای ملی توسعه و ارتقاء نظام پیمانکاری را پی‌گیری کرده و گزارش آن را در کنفرانس ملی سال آینده، ارائه خواهد نمود.

بام خوانندگان

ستون بام‌های خوانندگان روزنامه‌ی دانشگاه صنعتی شریف منتظر پیام‌های شماست
تلفن دفتر روزنامه: ۴۰۷۹ و ۴۰۷۸

روز پنج‌شنبه، دانش‌جویانی را که کلاس داشتند از درب شمالی دانشگاه (با وجود این که این درها باز بودند) راه نمی‌دادند و پاسخ‌شان این بود که درب فقط مختص فارغ‌التحصیلان است و شما باید از درب اصلی وارد شوید حتی گفتند استاد شما هم را از در بالا به دانشگاه راه نمی‌دهیم. اگر مسوولین دانشگاه برای این کار که به نظر همه کاری بی‌بوده است، پاسخ و دلیل قانع‌کننده‌ای دارند، لطفاً بفرمایند تا دانش‌جویان فکر نکنند، دانشگاه هم مانند سایر نهادها و ادارات است.

کارت دانش‌جویی اینجانب

سایه رجبی

به شماره‌ی دانش‌جویی ۸۱۱۳۴۲۰۰ در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۶ گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت دانش‌جویی اینجانب

میلا د مرتضایی فرد

به شماره‌ی دانش‌جویی ۸۲۱۷۲۳۰۰ در تاریخ ۸۴/۱۰/۱۱ گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌باشد.

باحضور ریاست دانشگاه آغاز شد

عملیات احداث بلوک جدید طرشت ۲

کلنگ احداث بلوک جدید خوابگاه طرشت ۲، صبح روز چهارشنبه توسط ریاست دانشگاه به زمین زده شد. در این مراسم که با حضور مهندس دواری، مدیر کل امور دانش‌جویی، جمعی از مسوولین خوابگاه طرشت ۲ و اعضای شورای صنفی این خوابگاه برگزار شد، پیمانکار و طراح این بلوک توضیحاتی در مورد عملیات ساخت این بلوک جدید به دکتر سهراب پور، رئیس دانشگاه ارائه کردند. در حال حاضر عملیات خاک‌برداری این پروژه به اتمام رسیده است و کارگاه ساختمانی آن تجهیز شده است.

این کارگاه ساختمانی کاملاً محصور شده است تا ساکنان دختر خوابگاه طرشت ۲ از لحاظ رفت و آمد با مشکلی برخوردار نگردد. علاوه بر آن، ورود و خروج کارگران ساختمانی نیز از دربی مجزا انجام خواهد شد. مدیر کل امور دانش‌جویی در گفت‌وگویی کوتاه با روزنامه‌ی شریف، هزینه‌ی احداث این بلوک را چیزی کم‌تر از ۲۰۰ میلیون تومان تخمین زد و ابراز امیدواری کرد که تا مهرماه ۸۵ این بلوک به بهره‌برداری رسد. به گفته‌ی دواری، عملیات ساخت این بلوک در ایام عید نیز با آغاز کار پی‌ریزی و فونداسیون ادامه خواهد داشت. مهندس دواری در ادامه با اشاره به این مطلب که قرار است در این بلوک صرفاً دانش‌جویان دختر و کارشناسی ارشد اسکان داده شوند، از پیش‌بینی

سایت Elsevier مدتی است که قطع شده است.

فاطمی زاده معاون کتابخانه‌ی مرکزی در مورد قطع بودن این سایت گفت: «هزینه‌ی اشتراک نشریات و online آن‌ها بالا است، که میزان این هزینه برای هر دانشگاه به user بستگی دارد و طبیعتاً هر چه تعداد user بیشتر باشد، هزینه بیشتر می‌شود». فاطمی زاده با اشاره به این که اگر نشریات را به اجبار خریداری نکنیم، نمی‌توانیم از خدمات science direct استفاده کنیم، گفت: «در کل ما بیش‌تر هزینه‌ی اشتراک را به خاطر نشریات پرداخت می‌کنیم و فقط ۶ تا ۷۰ هزار دلار از هزینه را صرف بانک

جشن فارغ‌التحصیلی بیش از ۷۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه شریف، عصر روز پنج‌شنبه در سالن تربیت‌بدنی دانشگاه برگزار شد.

در این جلسه پس از سخن‌رانی دکتر مقداری معاونت آموزشی دانشگاه، پروفیسور رضا دانشمند شهیر ایرانی در سخنانی ضمن تبریک چهلمین سال تاسیس دانشگاه شریف و فارغ‌التحصیلی جمعی از دانش‌جویان، به ذکر خاطراتی از دانشگاه شریف پرداخت. وی در سخنان خود گفت: «امروزه دانش‌آموختگان شریف در همه‌جای دنیا هستند و در راه خدمت به علم می‌کوشند. دانشگاه شریف یکی از مراکز شناخته‌شده‌ای است که به رشد فناوری در جهان کمک می‌کند و اساتید و روسا در این چهل سال، هر یک طرح‌حی بر این دانشگاه افزوده‌اند».

پروفیسور رضا ابراز امیدواری کرد که دولت و ملت ایران از این دانشگاه حمایت کافی را به عمل آورند. دکتر رضا در ادامه تصریح کرد: «دانش‌جویان دانشگاه فنی، پیش از دیگران به معلومات‌مندی و ادبی‌نیازمندند، چرا که همین تعالیم و آموزه‌هاست که باعث استقلال‌فکری مدیران آینده‌ی ایران می‌شود».

ریاست سابق دانشگاه صنعتی شریف تصریح کرد: «ایران با بعد از ۳۰ سال رکود، دوباره پای در عرصه‌ی فناوری جهان گذاشته است و همه باید



یکی از زمین‌های متعلق به دانشگاه آغاز کنیم و به نظر من، دانشگاه این قابلیت را دارد که برای مهرماه سال ۸۶ بتواند یک خوابگاه به مجموعه‌ی خوابگاه‌های خود اضافه کند. دواری این راه حل را، راه حل نهایی برای ریشه‌کن کردن مشکل اسکان خوابگاه پسران عنوان کرد. وی در پایان، از دانش‌جویان خواست تا در این امر با مدیریت دانش‌جویی هم‌کاری کنند.

گفته‌ی مهندس دواری با وضعیت فعلی خوابگاه‌های دانشگاه، چاره‌ای جز ۵ نفره شدن اتاق‌های کارشناسی نیست و این معضل راه حل اساسی‌تری می‌طلبد. مدیر کل دانش‌جویی ادامه داد: «ما پیشنهاد احداث یک خوابگاه جدید برای پسران در حد ظرفیت ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر را به ریاست دانشگاه ارائه کردیم و این طرح در دست بررسی است. پیشنهاد ما این است که این عملیات را در

elsevier هم چنان قطع است

اطلاعاتی Elsevier می‌کنیم». هم‌چنین شریفی یکی از کارکنان کتابخانه‌ی مرکزی در مورد سایت Elsevier توضیح داد: «این سایت جزویکی از معتبرترین مجلات الکترونیکی است که بیش از ۱۸۰۰ عنوان ژورنال دارد و ما عضویت ۱۲۰۰ عنوان ژورنال از آن را داریم. در این سایت به دو طریق می‌توان search کرد. اول این که در منوی Keyword, Serach مورد نظرمان را بدهیم و به‌طور موضوعی search کنیم و دوم از طریق منوی Journal است، عناوین مورد نظرمان و هم‌چنین

دوروز بعد از جشن چهلمین سالگرد تاسیس دانشگاه

جشن فارغ‌التحصیلان شریف برگزار شد



در این راه به ایران کمک کنند. پروفیسور رضا در انتهای سخنان خود اذعان داشت: «بزرگ‌ترین سرمایه‌ی ایران، مغزهای هوشمند جوانان ایرانی است». وی در خاتمه از دانشگاه صنعتی شریف به خاطر دعوت وی در این مراسم و مراسم چهلمین سال دانشگاه ابراز تشکر کرد. پس از سخنان پروفیسور رضا، دکتر سعید سهراب‌پور ریاست دانشگاه، در سخنانی از فعالیت‌های

علوم مهندسی است و به ما abstract هم می‌دهد. MathSciNet مربوط به علوم ریاضی، Emerald مربوط به مدیریت و صنایع و علوم کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی و به‌طور کلی EBSCO PRO QUST Business در برگیرنده‌ی تمام رشته‌ها، ASME مربوط به رشته‌ی مکانیک، ACS شیمی و ASCE عمران، AIR و OR فیزیک و در نهایت ISI که مربوط به تمام علوم است از دیگر سایت‌های مورد اشاره‌ی فاطمی زاده بود. وی در پایان اظهار امیدواری کرد که در صورت پرداخت بدهی‌ها به Elsevier، دانش‌جویان در فروردین بتوانند از آن استفاده کنند.

نجمی (مدیریت)، دکتر ذکایی آشتیانی (عمران)، دکتر فرشچی (هوافضا)، دکتر سراج‌زاده (متالورژی)، دکتر مدرس‌یزدی (صنایع)، دکتر باقری‌شورکی (کامپیوتر)، دکتر اسدی‌گرمارودی (مرکز معارف) و مهندس سوری (مرکز کارگاه‌ها و گرافیک) تقدیر به عمل آمد. گفتنی است امسال حدود ۱۳۰۰ نفر از دانش‌جویان شریف فارغ‌التحصیل شدند که حدود ۷۰۰ نفر از آن‌ها در این مراسم حضور داشتند.

در حاشیه

● با وجود آن که برنامه نسبت به سال قبل تا حدودی منظم‌تر برگزار شد، باز هم بسیاری از همراهمان دانش‌جویان به علت کمبود جا به صورت ایستاده برنامه را دنبال کردند.

● سخن‌ران ابتدایی مراسم دکتر مقداری معاون آموزشی دانشگاه بود که در سخنانش به خاطراتی چون ماجرای زلزله‌ی سال ۸۲، سقوط غم‌انگیز یک دانش‌جو در طرشت ۳ و... اشاره کرد.

● فضای پشت سر پروفیسور رضا در حین سخن‌رانی بسیار شلوغ بود، به طوری که وی با تکان دادن پرده‌ها از دست‌اندرکاران پشت صحنه خواست تا اجازه دهند وی به سخنرانش ادامه دهد.

دانش جو

استاد عزیز ما

از میان وبلاگها

تاباد چنین بادا

سی و پنجمین ثانیه از پنجاه و پنجمین دقیقه از بیست و یکمین ساعت دوشنبه... اون لحظه‌ی تکرار نشدنی نزدیک شده. هفت سین آماده س. شمع ها روشن شده ن. آینه و آب یعنی تبلور ابدیت. مثل هر سال حافظ سر سفره حاضره. شمعدان پایه بلند چهیز به مادر بزرگ با اون ترمه قدیمی زیرش خاطره های غبار گرفته رو زنده می کنن. اسکناس های سبز هزار تومانی لای قرآن متبرک می شن و منتظرن تا از دستای حالا دیگه پر چین و چروک پدر بزرگ برن توی جیب نوه ها. قلب ماهی قرمز هاتند تند می زنه. بچه ها دور تنگ حلقه زدن تابیین ماهی کوچولو کی از حرکت می ایسته تا سال نوبشه. سبزی پلوی امشب بهانه‌ی خوبییه برای این که آدم های دور از هم دوباره سر به سفره بشینن و برای داشتن یه سال خوب «باهم» دعا بخونن و یاد کسایی بیفتن که پار سال سر همین سفره نشستند بودن و حالا دیگه نیستن. پنجره اتاق تو باز کن؛ چشم هاتو ببند؛ نفس بکش و بخون: تاباد چنین بادا...

Tirkamoon.persianblog.com

درفت

گاهی وقتا draft های زندگی هم بیهو زیاد می شه! همچنین که سر برگردونی می بینی همین جوری پشت سر هم ردیف شدن و تو هم به روی مبارک نیابوردی که اپنا رو گذاشته بودی واسه سر فرصت و دیگه الان خیلی وقته که تاریخ مصرفشون گذشته و نمی تونی از شون استفاده کنی.

Hanasa.blogspot.com

بهانه های نوروزی

«نوروز» اگر همان وقتی است که روز، نو می شود که هر صبح دمی آغاز یک نوروز است و اگر وقتی است که روزگار نو می شود، معلوم نیست اول فروردین نوروز باشد.

می شود کوتاه آمد.

بهانه‌ای است برای ابراز دوستی. برای کسی که دوستش می داری یک نامه‌ای بفرستی و برایش آرزوی شادی کنی.

خانه‌ات را بتکانی و به سلمانی سر کوجه عیدی بدهی. همه برای این که تکرار روزها تو را یک لقمه‌ی چرب و نرم نکند و قورت ندهد.

حالا اگر نوروز هم تکراری بشود چه؟

Ghaf.persianblog.com

خرقه ی پشمین

این سنبل هایی که شهرداری مان این ور و آن ور کاشته، در کمین اند که آدم را ناگهان گیج و منگ کنند. مامان امسال هم باغچه را بنفشه کاشته. یک بوته گل سرخ هم هست و از قبل هم درخت و توت و انجیری مانده و یاس هم هست که باید برایش داریستی درست کرد.

ولی این جان من یک خرقة ی پشمینه‌ی زمستانی است. اگر این بهار به گرو می گرفتش بد نبود. دست کم تا خزان سال بعد.

Mjrd.persianblog.com

قهرمان

من هیچ وقت قهرمان نبودم.

نمی تونم قهرمان باشم.

دلهم هم نخواسته قهرمان باشم.

اما نمی دونم چرا این زندگی هر چند وقت یه بار نقش یه قهرمان خفتو می ده به من.

چقدر احمق زبون نفهمه.

Shoopenh.persianblog.com

که توپ را به سمت بازیکنی که چوب دستش است، پرتاب می کند)، به خاطر محاسبه‌ی نیروهای درگ و لیفت و معادلات حرکت متحرک، بسیار پیچیده دانستند و درآمد ماهیانه‌ی آن‌ها را در order میلیون دلار تخمین زدند (کسی می داند رونالدینیو، برچی چند از بارسا می گیرد؟)



استاد عزیز ما با اشاره به آن سمت کلاس که خانم‌های دانش جو نشسته بودند، خطاب به آقا پسرها فرمودند: «یک وقت با این‌ها از دواج نکند!» (منظور ایشان دختر خانم‌های شریفی بود.)



می خواستند شاگردانشان را به کلاس بیاورند. معلوم شد که به خاطر ناهماهنگی آموزش، کلاس‌ها با هم تداخل پیدا کرده است. بعد از کمی صحبت، قرار شد استاد عزیز دیگر ماماله را از طریق آموزش پی گیری کنند، آن وقت استاد عزیز ما فرمودند: «البته ما که پایه بودیم کلاس را تعطیل کنیم! کاش ایشان پیش تر اصرار می کرد.»

استاد عزیز ما بعد از این که موبایلشان سر کلاس زنگ زد، فرمودند: «این تماس از انگلیس است.» و بعد از کمی مکث اضافه کردند: «احتمالا می خواهند نتیجه‌ی پرونده‌ی هسته‌ای را به من بگویند.»

استاد عزیز ما، بعد از این که دانش جوی عزیزشان در مورد امتحان پایان ترم، گفتند: «استاد، نمونه سوال حل کنیم، خوبه؟» چند دقیقه‌ای در کف سوال فلسفی ایشان ماندند.

استاد عزیز ما، در جواب دانش جوانی که ۱۵ دقیقه مانده به آخر کلاس، خواستار تعطیلی آن بودند، فرمودند: «حالا این دفعه اشکال ندارد. ولی از این دفعه یاد بگیرید کمربندهاتان را سفت ببندید.»

(منظورشان کمربند ایمنی نبود!)

استاد عزیز ما، کار پیچر بیسبال را (همین بازیکنی



استاد عزیز ما خطاب به دانش جویی که در مورد سرقت اتومبیل صحبت می کرد و می گفت که قفل پراید در ۵ ثانیه و قفل پژو در ۷ ثانیه قابل باز کردن است، فرمودند: «اگر فکر می کنی در آمد آن ور دیوار پیش تر است، خوب برو آن طرف!»

نیم ساعتی از کلاس استاد عزیز ما گذشته بود که یکی دیگر از اساتید عزیز ما در کلاس را باز کردند و

شریف در سال ۲۰۲۰

است از چهل سال پیش تاکنون تمامی اتاق‌های خوابگاه‌ها، دفاتر انجمن اسلامی و بسیج دانش جویی، تمامی کلاس‌های ابن سینا و تمامی توالتهای الف - صفر به MDF مجهز شده‌اند و تمام فضای سبز سابق دانشگاه نیز به فضای MDF تبدیل شده است.

سه شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۲۴

نماهنگ «هشتاد سال با شریف» اسکار بهترین فیلم طنز سال را از آن خود کرد. علی اکبر سفید بخت، کارگردان این نماهنگ که به مناسبت هشتادمین سالگرد تاسیس دانشگاه ساخته شده است، گفت: «در جریان جشن هشتاد سالگی شریف دانش جوانان از این نماهنگ استقبال زیادی کردند و ما هم آن را به اسکار فرستادیم که آن‌ها هم خیلی حال کردند و جایزه‌ی بهترین فیلم کمدی را به ما دادند.»

«هشتاد سال با شریف» هم چنین به علت تلفیق بدیعانه‌ی موسیقی عرفانی ایرانی با آهنگ آنه شرفی در رشته‌های تئوین و میکس نیز نامزد اسکار شده بود که متأسفانه نتوانست جایزه‌ای کسب کند. سفیدبخت در هنگام دریافت جایزه‌اش گفت: «ما از اول قصد نداشتیم فیلم کمدی باشد، ولی نفهمیدیم چی شد که این طوری شد.» وی سپس برای دریافت جایزه‌ی گرمی موسیقی به خاطر سرودهای هشتادمین سالگرد روانه‌ی فرودگاه شد.

پنج شنبه ۲۵ اسفند ۱۴۲۴

جمعیت «دفاع از زنان عالم» طی اعلامیه‌ای رسماً از یکی از انجمن‌های دانش جویی دانشگاه شریف درخواست کرد که بی خیال حقوق زنان شوند. در این اعلامیه آمده است: «مگر خودتان کار و زندگی ندارید که گیر داده‌اید به این مردان بدبخت.» گفتنی است

شنبه ۲۰ اسفند ۱۴۲۴



کلنگ احداث بلوک جدید خوابگاه دختران دانشگاه، برای چهلمین بار به زمین زده شد. در این مراسم کلنگ زنی که با حضور جمع کثیری از علاقه‌مندان به مراسم‌های کلنگ زنی اجرا شد، یک کلنگ مزین به روبان صورتی توسط ریاست دانشگاه چندین بار به زمین کوفته شد. مدیریت امور دانش جویی هم در سخنانی ابراز امیدواری کرد که با بیش تر شدن تعداد کلنگ زدن‌ها در سال جاری، فونداسیون و خاک برداری این بلوک خود به خود انجام شود و دیگر نیازی به ماشین‌های ساختمانی نباشد. در مراسم جداگانه‌ای هم چنین بیل احداث خوابگاه دوهزار نفری پسرانه نیز بر زمین زده شد.

دوشنبه ۲۲ اسفند ۱۴۲۴

دانشگاه شریف از هفته‌ی آینده کار صادرات ۲۰ تن MDF غنی شده را آغاز خواهد کرد. مدیریت امور دانش جویی ضمن بیان خبر فوق گفت: «چهل سال پیش در جریان حفر چاه در دانشگاه به یک رگه‌ی با ارزش MDF برخورد کردیم که اکنون در مرحله‌ی صادرات این محصول استراتژیک قرار داریم.» گفتنی

دانش جو

رضا قربانی

داواشت

جشنی برای ساختمان‌ها

خبر کوتاه بود، حتی کوتاه‌تر از خود واقعه: «سه شنبه‌ی گذشته جشن چهلمین سال تاسیس دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد.»

امسال مصادف بود با چهلمین سال تاسیس دانشگاه و هر چیزی هم در دانشگاه رنگ و بویی از چهلمین سال داشت. حتی ثبت نام ورودی‌های جدید و مسابقات فوتبالی که هر سال برگزار می‌شود هم به نام چهلمین سال تمام شد. اما سه شنبه‌ی گذشته، اوج این برنامه‌ها بود و به قولی بزرگ‌ترین جشن چهل سال اخیر دانشگاه. من هم دعوت شده بودم. خب خبرنگارم و باید این ماجرا را تحت پوشش خبری قرار می‌دم. اما در چند ساعتی که برنامه برگزار شد، بدترین لحظات زندگی من در دانشگاه گذشت. دقایقی که هر ثانیه‌ی آن به اندازه‌ی چند ساعت طول کشید. قرار بود که جشن را از نزدیک دنبال کنم. البته بعد از این که کیفم را جلوی در تالارها تحویل دادم و از زیر دستگاه امنیتی رد شدم تا مبادا با خودم اسلحه‌ای، بمبی، چیزی داشته باشم. در هر حال ورود به حال تالارها خروجی در پی نداشت. فقط رفتن بود که با خودت بود و برگشتن با خدا. من هم مثل خیلی‌های دیگر به خیل جمعیت پیوستم و فشار جمعیت مرا به درهای سالن تریبیت بدنی رساند و بعد از این که در با زور باز شد، با برخورد زشت و زنده‌ی ماموران حراستی که از مجلس به دانشگاه آمده بودند روبه رو شدم. مامورانی که دختر و پسر برایشان فرق نداشت و مانند یک جانی با آن‌ها برخورد می‌کردند. فراموش کردم. برای لحظاتی یادم رفت که این جا دانشگاه صنعتی شریف است؛ قطب علمی خاورمیانه.

نه برادر! جایی که برایت می‌گویم استادبوم آزادی در زمان بازی استقلال - پرسپولیس نبود.

آن جایی که من سه‌شنبه‌ی گذشته ساعت چهار نیم در حال له شدن بودم بیرون درهای تریبیت بدنی در حال تالارها بود. باور نکردم و باور نمی‌کنم جشنی که برگزار شد، جشن چهل سالگی دانشگاه بود.

من که با کلی ذوق و شوق برای دیدن برنامه رفته بودم بعد از آن برخوردهای زنده، دلم نمی‌خواست چیزی ببینم. سه‌شنبه‌ی گذشته اتومبیل‌های پلیس ۱۱۰ را در دانشگاه دیدم و از خودم پرسیدم مگر پلیس (ولو برای حفظ امنیت) حق ورود به دانشگاه را دارد؟ بعد یادم آمد که امروز قرار است رئیس مجلس به دانشگاه بیاید. اما نه... مگر معاون اول رئیس جمهور، چهار سال با دوسه محافظ ساده، در کلاس‌های همین دانشگاه تدریس نکرد؟

سه شنبه‌ای که گذشت دانشگاه محلی برای برخورد با دانش‌جو شده بود. چرا که دانش‌جو ممکن است تروریست باشد. چرا که دانش‌جو ممکن است نظم را به هم بزند. البته وقتی نظمی وجود نداشته باشد، نمی‌دانم چه چیزی را باید به هم زد.

حال من مانده‌ام و آینده.

آینده‌ای که نمی‌دانم در آن وقتی فرزندم از من راجع به چهلمین سال دانشگاهم پرسید چه جوابی بدهم. بگویم بزرگ‌ترین جشنی بود که به عمرم دیده بودم یا بگویم آن جشن مال ما نبود. جشنی که برای دانشگاه بود و دانش‌جویان را به آن راه نمی‌دادند. گویی دانشگاه همین ساختمان‌ها و کلاس‌هاست. گویی این دانش‌جویان اند که برای این ساختمان‌ها ایندند. این ساختمان‌ها برای دانش‌جویان. به هر صورت تمام شد. شاید فرزندم از جشن ۱۰۰مین سال تاسیس دانشگاه خاطره‌ی خوبی برای آینده‌ی خود حفظ کند!

- آقای ...

- خوب من که نمی‌شناسم ایشان را.

- من چه می‌دانم.

دختر، شنل آبی رنگش را در آورد و شرمندانه به سمت خانواده اش رفت و گفت: «من شرمندم. باید برگردیم. نمی‌شود شما بایستید. و من بشینیم.» در این حال به این فکر می‌کرد که با کارت دعوت چه کار کند. باید بکند.

برده‌ی سوم:

بزرگی گفته است: «انسان، تنها موجودی است که گاهی قرمز می‌شود و به آن نیاز دارد.»

این‌هایی که خواندید داستان سبک سیال ذهن نبود. حتی داستان رئال هم نبود. اصلاً داستان نبود. این‌ها عیناً اتفاقی بود که من این دو روز دیدم به چشم خود. من به عنوان یک فارغ‌التحصیل این دانشگاه حقیقتاً گاهی قرمز می‌شوم. نمی‌دانم از چه کسی باید پاسخ خواست. شاید هر کسی بیندازد گردن دیگری. یا شاید هم اصولاً از اصل باید منکر این واقعیت‌ها شد. اما آن چه در این جابجاسیار مهم است (لا اقل برای یک شریفی) این است که ما وقتی کسی را به خانه مان دعوت می‌کنیم چه وظیفه‌ی او در قبال او داریم؟ آیا نباید فکر صندلی برای او کرده باشیم؟ آیا نباید به این فکر کنیم که او ماشینش را در کوچه‌ی ما اگر نتواند پارک کند، چه کار باید کرد؟ آیا ما اجازه داریم به خاطر یک مدعو دیگر (هر چند آدم مهمی باشد) از ورود دیگر دعوت‌شدگان به خانه مان جلوگیری کنیم؟ آیا مادر مورد پوشش مدعویمان نباید نهایت سختگیری را بکنیم و او را به خانه راه ندهیم؟

من به عنوان یک فارغ‌التحصیل این دانشگاه از چند سال پیش به خاطر دارم روزی را که رییس جمهور به این دانشگاه آمد، اما نه از ورود کسی ممانعت شد و نه کسی به رییس جمهور سوء قصدی کرد. همه چیز به خوبی تمام شد.

این حرف‌ها ابتدا از روی عرق انسان بودن است و دوم از روی عرق شریفی بودن (عرقی که کم کم کمرنگ می‌شود) اما سوالی ذهن مرا مشغول کرده است و پاسخی برایش نمی‌یابم: کارت دعوت دانشگاه شریف چه قدر ارزش دارد؟

امضا محفوظ



داواشت

برده‌ی اول:

● آقای فارغ‌التحصیل قدیمی چند روز پیش در دفتر کارش، کارت تبریکی دریافت کرد که برای شرکت در مراسم بزرگ‌داشت چهلمین سال تاسیس دانشگاه صنعتی شریف از او دعوت شده بود. او چند لحظه پیش اتومبیلش را در گوشه‌ی ای پارک کرد و به سمت سالن تریبیت بدنی دانشگاه رفت.

● پیرزن و پیرمرد که کارتی با عنوان خانواده‌ی شهدای دانشگاه داشتند دعوت شده بودند. با حالتی از غم که کوچه‌های دانشگاه برای آن‌ها داشت، سالن تریبیت بدنی را پیدا کردند.

● مرد که با همسرش در مراسم جشن فارغ‌التحصیلی شرکت می‌کنند، وارد خیابان آزادی شد و نزدیک دانشگاه در گوشه‌ای ماشینش را پارک کرد. هر دو شادمان بودند. در دستشان کارت دعوتی بود که چند روز پیش از طریق پست در خانه‌شان آمده بود: «ضمن تبریک به شما و خانواده‌ی محترمان دعوت می‌کنیم که در جشن فارغ‌التحصیلی تان در دانشگاه شرکت نمایید.»

● دختر که امسال فارغ‌التحصیل شده بود به همراه پدر و مادرش که دعوت بودند، وارد سالن شدند.

برده‌ی دوم:

● آقای فارغ‌التحصیل که ماشینش را پارک کرده بود، به سمت در سالن تریبیت بدنی رفت. در بسته بود. «نمی‌توانید وارد شوید. آقای رییس مجلس داخل سالنند. هیچ راهی ندارد. ورود شما ممنوع است، آقای فارغ‌التحصیل!» آقای فارغ‌التحصیل نگاهی به کارت دعوت داخل کیفش کرد و به سمت اتومبیلش رفت. سوار شد و برگشت.

● پیرزن و پیرمرد با در بسته‌ی سالن مواجه شدند. شکایت را به کسانی که پشت در بودند بردند. «ما خانواده‌ی شهید دانشگاه هستیم. اما ما را راه نمی‌دهند. ما را دعوت کرده‌اند که بیاییم ولی حالا راهمان نمی‌دهند.»

کارت دعوت دانشگاه شریف چه قدر ارزش دارد؟

سلام و خوش نیامدید!

این چه طرز مهمان‌نوازی است... و بعد به خانه باز گشتند.

● مرد که با همسرش دعوت بودند، رسیدند به در اصلی دانشگاه. نگهبان آن‌ها را صدا زد. «لباس شما درست نیست. مانتو شما کوتاه‌تر از حد استاندارد است» مرد که احساس بدی به اش دست داده بود، کارت دعوت را در دستش فشار داد و همراه با همسرش راه خود را به سمت خیابان آزادی عوض کردند. آن‌ها برگشتند.

● دختر که با پدر و مادرش به جشن فارغ‌التحصیلی دعوت شده بود، وارد سالن شد. او را به محل مخصوص فارغ‌التحصیلان هدایت کردند. اما چون می‌خواست از نشست‌والدینش در محل مخصوص، مطمئن شود همراه آن‌ها رفت. ولی جایی برای نشستن پدر و مادرش نبود. در پی مسوولی بود تا مگر کاری برایش کند. نگهبانی را نزدیک در دید: «آقا همراهان من جایی برای نشستن ندارند.»

- خانم من یک صندلی دارم و روی آن نشستیم. من چه کنم؟ بروید به مسوولش بگویید. داخل سالن است.

- خوب مسوولش کیست؟

کتاب

زندگی در پیش رو

نویسنده: رومن گاری
مترجم: لیلی گلستان
رسته: ادبیات، داستان‌های خارجی
ناشر: بازتاب نگار
قیمت ریالی: ۲۲۰۰۰
قطع: رقعی

بگنجد یا توسط بچه فاحشه‌ای که مشغول پاندازی است بیان شوند. این کلمات انعکاس روح رومن گاری اند و همین روحانی بودنشان باعث می‌شود در هیچ چهارچوب و نظامی آرام نگیرند. «چیزی که همیشه برایم عجیب بوده این است که اصولاً آشک در برنامه‌ی خلقت پیش بینی شده. یعنی آدم بناست گریه کند. باید پیش بینی شده باشد. واقعا که هیچ سازنده محترمی همچو کاری نمی‌کند.»

«من آدم مومنی نیستم. اما حقیقت آن است که وقتی چیزی دارید که کمی عجیب است و شبیه هیچ چیزی نیست، امیدوارید که بتواند کاری بکند.»

«من فرزند شما نیستم. من اصلاً بچه نیستم. من یک بچه [...] هستم که پدرم، مادرم را کشته و وقتی آدم این یک چیز را بداند، یعنی دیگر همه چیز را می‌داند و اصلاً بچه نیست.»



کودکی ده ساله به جنگ پلیدی‌ها و زشتی‌های جامعه اش می‌رود. زشتی‌هایی که حتی در ذهن و خاطراتش هم رسوخ کرده اند. اما، چون همیشه، تا خود نخواهد، نمی‌تواند به قلبش که پاک‌ترین گوهر وجودی اش است دست اندازی کند و رومن گاری هنرمندانه این کشمکش را به تصویر کشیده است.

لحن کودکانه داستان بی نظیر است. هر کس زندگی در پیش رو را بخواند، محمد را به چشم می‌بیند و عاشقش می‌شود. حتی در درون خود محمدی را می‌یابد که بعضی وقت‌ها بی دلیل گریه می‌کند و از این می‌ترسد که دچار حمله‌ارثی خشم شود و دوست ندارد «زندگی را بلیسد.»

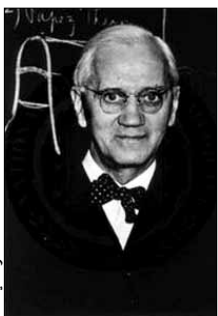
و در آخر باید بگویم، زندگی در پیش رو، کتابی فرانسوی است. حتی محمدش هم بوی کافه‌های پاریس را می‌دهد. حتی زخم و دمل‌های اجتماعش هم فرانسوی است و این برای آنان که به دنبال تعمیم‌اند، ناخوشایند و در عین حال خطرناک است. ما اگر به دنبال شناسایی زخم‌های خودمان هستیم باید محمد خود را داشته باشیم و در نتیجه رومن گاری خود را.

از وبلاگ کتابکده
www.ketabnegar.persianblog.com

قهرمان داستان «محمد»، کودکی ده ساله است. محمد به شاخه گلی می‌ماند که در باتلاق روییده باشد. به همان پاک‌ی و لطافت گل و با همان کثیفی و رکود مرداب. شاخه گلی که هر لحظه امکان دارد در آب متعفن باتلاق فرورود و تمام شود. بنابراین با سرعت از خود می‌گوید. از درون خود که پاک‌ترین و مطمئن‌ترین دست‌آویزی است تا خود را برهاند. محمد زندگی در پیش رو نماد خصلت‌های انسانی آدمی ست که در قالب

تاریخ علم

امروز، مرگ کاشف پنی سیلین
انسانی کاملاً انسانی
رضا قربانی



الکساندر فلمینگ

کاملاً معمولی مرد. همان طور که کاملاً معمولی زندگی کرد. یک اشتباه کوچک کرد و همان هم باعث موفقیت اش شد. سر الکساندر فلمینگ مثل همه ی انسان های دیگر روزی به دنیا آمد، البته در اسکاتلند. مثل همه ی بچه های اسکاتلندی از پنج تا دوازده سالگی رادر دبستان و مدرسه سپری کرد. در دوازده سالگی هم وارد کالج کیلمارنوی که دارای استانداردهای بالایی بود، شد.

برای اولین بار در همین جا بود که زیبایی های طبیعت رادرک کرد و برای اولین بار عشق را شناخت. مثل خیلی دیگر از دانش آموزان هم ۱۹۰۱ در امتحان ورودی دانشکده ی پزشکی بیمارستان سنت مری لندن قبول شد و بورس تحصیلی گرفت و شروع به یادگیری پزشکی کرد. هر چه که سعی می کنم نکویم کاملاً عادی بود نمی شود. چرا که محصلی بسیار کوشا بود و در تمام رشته های تحصیلی علاقه ی وافری از خود نشان می داد و به همین جهت در دوران تحصیل دانشگاهی جوایز زیادی نصیب او شد. فلمینگ پس از دریافت مدرک دکترای در ۱۹۰۶ در بیمارستان سنت مری به شاگردان سرآلمورت ادوارد رایت ملحق شد. با وجود اختلاف سلیقه ای که با استادش داشت به مدت ۴۰ سال با هم کار کردند.

او به میکروب شناسی علاقه ی فراوانی داشت. به همین جهت کار تحقیقاتی خود را روی باکتری استافیلوکوک (Staphylococcus) آغاز کرد و محیط های کشت مختلف را برای رشد این میکروب مورد آزمایش قرار داد.

زمانی هم که جنگ خانمان سوز اول شروع شد با درجه ی ستوانی به قسمت پزشکی ارتش انگلیس پیوست و در آزمایشگاه تحقیقاتی مجروحین جنگی شروع به کار کرد همان جا بود که با یک روش ساده ولی هوشمندانه ناتوانی آنتی سپتیک های شیمیایی را در ضد عفونی کردن زخم های عمیق نشان داد. پس از پایان جنگ در سال ۱۹۱۹ مکانیسم مواد ضد باکتری رادر بیمارستان سنت مری مورد مطالعه قرار داد. تاین که در یکی از روزهای سال ۱۹۲۸ یکی از خوش شانس های که تاریخ پزشکی جهان را دچار دگرگونی کرد به او روی آورد.

ماجرا از این قرار بود که فلمینگ تعداد زیادی از کشت های استافیلوکوک رادر محیط های کشت مختلف کشت داد و برای چند روز به مرخصی رفت. در بازگشت از مرخصی در یکی از ظرف های محیط کشت، پدیده ی جالبی را مشاهده کرد. او دید که اسپور قارچ ها که معمولاً در هوا پراکنده هستند بر روی محیط کشت نفوذ کرده و مانع رشد استافیلوکوک ها شده است. او مشاهده کرد کپک های قارچی که از رشد استافیلوکوک ها جلوگیری کرده اند دارای ترکیباتی هستند که از رشد میکروب های دیگر نیز جلوگیری می کنند. او پس از آن که دانست این کپک از قارچی به نام پنی سیلیوم پدید آمده این ماده را پنی سیلین نامید.

سال چهل و پنج میلادی، همان سالی که جنگ دوم پایان گرفت، الکساندر فلمینگ با دو تن از هم کارانش به خاطر کشف پنی سیلین نوبل پزشکی گرفت. ده سال بعد هم به خاطر سکنه ی قلبی مرد، کاملاً معمولی!

کارت دانش جویی اینجناب
صالح صلواتی

به شماره دانش جویی ۸۱۱۴۹۱۰۰ در تاریخ ۸۴/۱۲/۸ گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه ی اعتبار ساقط می باشد.

می شود. جالب این است که سیستم انتقال بادی طراحی شده در این مرکز به طول هفت صد متر (فاصله ی بین آزمایشگاه محیط زیست مرکز تا قلب رآکتور)، به قول یکی از دست اندرکاران بین المللی شاید طولانی ترین سیستم انتقال نمونه به یک رآکتور تحقیقاتی باشد. از اندازه گیری های انجام شده در تهران مشخص شد که غلظت سرب به طور میانگین بیش از مقدار مجاز اعلام شده توسط سازمان بهداشت جهانی است.

بعد از آن، مرکز، آمادگی خود را جهت اجرای پروژه در دیگر شهرهای آلوده به اطلاع سازمان محیط زیست رسانده، که عکس العملی از آن ها دیده نشد! این پروژه مجدداً در سال ۲۰۰۱ در تهران تکرار شد و این بار علاوه بر غلظت عناصر، ابعاد آن نیز اندازه گرفته شد.

چاه پیمایی هسته ای

(Nuclear Borehole Logging) یا همان چاه پیمایی هسته ای روشی است که می تواند برای شناسایی و اکتشاف معادن مورد استفاده قرار گیرد. ابزار مربوط به چاه پیمایی، سوند است که استوانه ای به قطر چند سانتی متر و طول از یک تا چند متر و بر حسب کارایی متفاوت، است. بعضی از این ابزارها برای اندازه گیری پارامترهای مختلف ژئوفیزیکی مثل چگالی، رطوبت، تخلخل، مقاومت الکتریکی و غیره استفاده می شود. در مورد پیشرفته تر روی ابزاری کار شده که عناصر موجود در چاهک را هم شناسایی می کند.

این ابزار معمولاً یک چشمه ی نوترونی و یا چشمه ی مولد پرتوهای گاما در انتهای سوند و آشکار سازهایی در میانه ی سوند دارد. برای اندازه گیری چگالی، فوتون هایی گسیل و از روی کاهش فوتون های برگشته و آشکار شده به میزان چگالی پی می برند. میزان رطوبت را از تغییرات طیف انرژی آشکار شده، تشخیص می دهند. طی پروژه های دانش جویی، با روش های پیشرفته ی شبیه سازی و آزمایش های تجربی، روشی برای کالیبراسیون ابزارها به دست آمد که در آن ها طیف پرتوهای گسیل شده حاصل از برخورد نوترون، اندازه گیری و با شبیه سازی و تطبیق نمودارها، نوع عناصر و میزان آن ها مشخص می شود. در انواع دیگر ابزارهای چاه پیمایی، برای بررسی های اکتشافی منابع نفتی نیز استفاده می شود.

در این مرکز فعالیت های دیگری هم انجام می شود، ولی به دلیل عدم هم کاری سازمان های ذیربط، برخی از فعالیت های این مرکز در حد پژوهش باقی مانده و به مرحله ی استفاده در سطح کشور نرسیده است.



دکتر مهدی سعیدی

پرتوولی هسته ای

دکتر مصطفی سهراب پور، بنیان گذار مرکز تابش گامای ایران است. وی از این که دولت به کارهای این مرکز توجه چندانی نمی کند، گلّه دارد.

مریم رزمی

زمینه ی کاربردهای هسته ای در آن انجام می شود. با دکتر مصطفی سهراب پور، استاد مهندسی هسته ای دانشکده ی مکانیک دانشگاه و پایه گذار مرکز تابش گاما، به گفت و گو نشستیم. در این گزارش چند مورد از فعالیت ها و پژوهش های صورت گرفته توسط این مرکز را معرفی می کنیم.

در ۱۳۷۲ در زمینه ی بررسی ذرات معلق هوای شهر تهران آغاز شد. به دلیل کمبود بودجه برای خرید دستگاه های نمونه گیری هوا، دستگاه ها در خود مرکز طراحی و ساخته و در ده نقطه شهر تهران نصب شدند و هفته ای دوبار و به مدت یک سال کامل نمونه گیری از هوای شهر انجام شد.

بررسی به این صورت است که ذرات موجود در فیلترهای دستگاه های نمونه گیری، توسط یک سیستم انتقال بادی به قلب رآکتور می رود. در قلب رآکتور این ذرات در معرض پرتوهای نوترونی قرار می گیرند. ذرات با جذب نوترون به ایزوتوپ جدیدشان تبدیل می شوند که پرتوزاست. با اندازه گیری میزان پرتوزایی نمونه و انرژی اشعه ی گامای ساطع شده، عنصر مربوطه به صورت کیفی مشخص شده و با تمهیداتی مقدار کمی آن نیز تعیین

مرکز تابش گامای ایران زیر نظر سازمان انرژی اتمی، حدود ۲۰ سال است که مشغول به کار است. این مرکز با فعالیت در زمینه ی معرفی خدمات پرتو فرآوری در سطح کشور، شروع به کار کرد و بعد از مدتی به یک مرکز علمی و پژوهشی تبدیل شد و فعالیت های مختلف در

در گیاهان مختلف در زمینه ی کشاورزی به وجود آورد. وقتی دانه های گیاهان تحت تابش قرار می گیرد، به طور تصادفی در آن خواص جدیدی به وجود می آید که خواص مطلوب از میان آن ها مورد توجه قرار می گیرد و آن نوع دانه را تکثیر می کنند و برای استفاده ی انبوه در کشاورزی مورد استفاده قرار می دهند. از این خواص می توان به عنوان مثال، کوتاه قدی ساقه ی گندم، یا کاهش زمان به بار رسیدن محصول یا افزایش بازدهی محصول را نام برد. به عنوان مثال مرکز تحقیقات کشاورزی پاکستان (NIAB)، ده سال روی پنبه دانه و جهش ژنتیکی آن کار کرده و با استفاده از دانه ی اصلاح شده به صورت انبوه موفق به تولید بسیار قابل توجهی از پنبه نسبت به سال های قبل شده بود.

بررسی های زیست محیطی

اولین فعالیت زیست محیطی مرکز در سال

این پرتوها چه هستند؟ در زمینه ی پرتو فرآوری از پرتوی ساطع شده از کبالت ۶۰ استفاده می شود. کبالت طبیعی (۵۹Co) در معرض شار نوترونی قرار می گیرد و یک نوترون جذب می کند و کبالت ۶۰، ایزوتوپ پرتوزا با نیمه عمر طولانی پنج سال تولید می شود. به طور متوسط هر ماه یک درصد از میزان پرتو دهی این ماده کاهش می یابد، بنابراین از نظر کارکرد در یک مرکز پرتو دهی با چشمه ی یک نواخت، مناسب است.

اثر این پرتو چیست؟

اشعه ی گامای ساطع شده از کبالت ۶۰، به دلیل انرژی بالا، قدرت نفوذ زیادی دارد. مثلاً وقتی این اشعه در ضد عفونی محصولات استفاده می شود، فوتون ها به داخل ماده نفوذ می کنند و فعالیت میکروارگانیسم ها و تکثیر آن ها را کنترل می کنند. البته برای اعمال هر نوع فرآیندی باید پرتو دهی با دز (Dose) مشخصی انجام گیرد، (دز، به میزان انرژی جذب شده به ازای واحد جرم می گویند). تا نتیجه ی مورد نظر (مثلاً در مورد استریل کردن وسایل پزشکی یا جلوگیری از جوانه زدن سیب زمینی و پیاز...) حاصل شود.

حشره زدایی

یکی از کاربردهای پرتو ها از بین بردن حشره، تخم و لاروی آن هاست. این ها محصول رآلوده و آن را تخریب می کنند. با اعمال دز پایین هم می توان این حشرات و تخم ها را از بین برد. یکی دیگر از استفاده ها، مبارزه ی بیولوژیک با آفات کشاورزی به جای استفاده از سموم شیمیایی و مضر است. به عنوان مثال، کرم ساقه خوار برنج در شمال کشور را در نظر بگیرید. یکی از روش های پیشنهاد شده، روش نر عقیم (SIT) است. در این روش حشره ی مزاحم را به صورت انبوه در آزمایشگاه تولید می کنند و بعد آن ها را بر حسب جنسیت جدا سازی می کنند. نرها را با دز مشخص، پرتو دهی و عقیم می کنند. در منطقه ی آلوده به حشرات مزاحم، تعداد طبیعی حشرات شمارش شده است و چندین برابر آن تعداد نرهای عقیم شده را در مزارع رهاسازی می کنند تا در رقابت بین نرهای عقیم و طبیعی، پیروزی با گروه اول باشد! در باروری و تکثیر صورت گرفته، تخمی که به وجود می آید نازاست. با تکرار این عمل به راحتی می توان حشرات مزاحم را کنترل کرد.

چند سال پیش این مرکز سعی در به کارگیری این روش در مورد کرم ساقه خوار در کشور کرد که متأسفانه به دلیل عدم هم کاری عوامل ذیربط، اجرای پروژه میسر نشد.

جهش ژنتیکی

با استفاده از تابش اشعه می توان تغییرات خاصی

عکس علمی روز

هان ای دل! عبرت بین

یک روزی از آن روزهای خیلی دور، کوه وزوو (Vesuvius) هرچه ویرانی و نابودی در قلبش داشت را بر سر مردم پمپئی (Pompeii) ریخت و سرزمینی را که امروزه ناپل (Naples) خوانده می شود را با خاک یکی کرد. در مقاله ای که هفته ی گذشته در Proceeding of the National Academy of Sciences به صورت Online منتشر شد، محققان راجع به آن اتفاق وحشتناک گفته اند که حدود چهار هزار سال پیش اتفاق افتاده و در شعاع پانزده مایلی هر آن چه که در اطراف آتش فشان بوده رانابود کرده است. مردم را هم در زیر لایه ای از خاکستر و سنگ های مذاب دفن کرد (تصویر رابینینید). دانشمندان این راهم نوشته اند که فوران و انفجاری مشابه آن چه که در گذشته بر سر مردم پمپئی آمده، در آینده می تواند ناپل و سرزمین های اطرافش را نابود کند. حالا می توانی تصور کنی، جهانی را که آتشفشان ندارد!



عکس از Scientific American

جشنواره

روز هشتم: آفرینش جورج!

مسعود حقیقت ثابت

محمدعلی نجفی، «زاگرس» را به سفارش و سرمایه گذاری شرکت توسعه ی منابع آب و نیرو ساخته است. ولی خود، اعطای عنوان سفارشی را به فیلمش، درست نمی داند. چرا که از ابتدا قرار، بر ساخت فیلمی مستند از روند پروژه ی عظیم «کارون ۳» در ایذه بود و ساخت فیلم سینمایی، پیشنهاد خود نجفی بوده است. هر چند که داستان بر روابط عاطفی و عاشقانه ی آدم های فیلم تاکید زیادی دارد، ولی هدف غایی از ساخت آن، نمایش توان مندی مهندسان و متخصصان ایرانی است که نود درصد پروژه ی کارون ۳ به همت و دانش و مهارت آنان به انجام رسیده است. «زاگرس»، فیلم، آبرومند و قابل قبولی است که البته با توجه به سابقه و تجربه ی نجفی، انتظار کم تری از وی نمی رود. از سویی با توجه به استفاده از چهره های مشهوری مانند رضا کیانیان و مریلا زارعی و سایر بازیگران، پیش بینی می شود که «زاگرس» اقبال نسبی تماشاگر رانیز در پی داشته باشد. اتفاقی که نجفی لیاقتش را دارد، چرا که دست کم از ساخت فیلمش هدفی را دنبال می کرده.

«کافه ستاره» چهارمین فیلم کارگردان جوانی است که تاکنون، فیلم هایش با استقبال نسبتا خوب تماشاگران هم راه بوده است. آخرین نمونه اش همین «مکس» بود که هم زمان با جشنواره هم فروش خوبی داشت. البته نباید نقش تهیه کننده (هدایت فیلم و مصطفی شایسته) را در تکرار موفقیت های سامان مقدم نادیده انگاشت، چرا که توانسته اند شرایطی را مهیا کنند تا مقدم بتواند با فراغ بال به مضامینی بپردازد که پرداختن به آن ها را مجال هر کسی نیست! با توجه به جمع جهات، می توان کافه ستاره را بهترین فیلم مقدم، و یکی از خوب های جشنواره ی بیست و چهارم دانست. فیلمی که این بار نه تنها نظر مثبت تماشاگر، بلکه اقبال منتقدان را نیز در پی داشت. فیلم مقدم ساختاری ایپزودیک دارد و می توان برای این نوع شیوه ی روایت فیلم پالپ فیکشن تارانتینو را مثال آورد. خط سیر داستانی تحول شخصیت ها به خوبی پرداخته شده و منطقی فیلم از قوام نسبتا خوبی برخوردار است. داستان فیلم روایت زندگی سه زن است که در محیطی مشترک سرنوشت های متفاوتی را تجربه می کنند. فریبا که با شوهرش کافه ستاره را اداره می کند، سالومه دختر جوان و زیبایی که نامزدش مشغول زمینه سازی برای ازدواج شان است و سرانجام ملوک، زن میان سالی که تنها زندگی می کند و به دنبال مونسی است برای رهایی از این تنهایی تلخ و آزار دهنده. محیط داستان هم یکی از محله های قدیمی جنوب شهر است و مناسبات آدم های محله به طرز معقول و منطقی ساخته و پرداخته شده اند و روابط عاطفی میان آن ها برای هر صنف تماشاگری ملموس است. فیلم مقدم از آن دسته فیلم هایی است که می توان نام اجتماعی واقع گرا را بر آن ها نهاد. انسان هایی اسیر سرنوشت محتوم و اغلب تلخ که به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی راه برون رفت از آن را نمی یابند و در سرآشپزی سقوط و مرگ تدریجی راه می پیمایند. مقدم با کافه ستاره همه را به آینده ی حرفه ای اش در سینمای ایران خوش بین کرد.

حواشی روز هشتم:

-محمد علی نجفی در جلسه ی فیلم زاگرس گفت که در حین فیلم برداری مجبور بوده اند تا کمر، در آب فروبروند و خودش هم دو بار از کوه پرت شده است.

-انسبی ی شاه حسینی در پاسخ به سوالی درباره ی غیرواقعی بودن شخصیت فرمانده ی فیلمش گفت: «خدا لعنت کند کسانی را که رزمنده ی ما طوری نشان داده اند که انگار فرشته هستند و از یک سیاره ی دیگر آمده اند و هیچ چیزشان به آدم های معمولی نمی رود. رزمندگان ما گرسنه می شدند، تشنه می شدند، خوابشان می آمد، عاشق می شدند و مثل همه ی ما بودند.»

-تهیه کننده ی شب به خیر فرمانده ادعا کرد که فیلمش تنها فیلم واقعی دفاع مقدس است و بیش تر کارگردانان این گونه جنگ را از نزدیک ندیده اند.

کارت دانش جویی اینجناب

سعید سلیم زاده

به شماره دانش جویی ۸۲۳۳۶۶۰۰ در تاریخ ۸۴/۶/۱۵ گم شده و از این تاریخ به بعد از درجه ی اعتبار ساقط می باشد.

این سینمای معناگرا هم از آن صیغه هایی است که این چند ساله مد شده. البته تعریف دقیق و مشخصی ندارد. اما ظاهرا قرار است به جایگاه انسان در جهان هستی و سرگشتگی ها و بی قراری ها و گم شده هایش بپردازد. وقتی حرف از واژه های جایگاه و هستی و سرگشتگی می آید، همه منتظر یک جور سینمای خفن (در مایه ی فیلم های تارکوفسکی) هستند. فیلم هایی با ریتم خیلی کند، با سکوت های طولانی، نماهای کشدار و خسته کننده و عجیب و غریب، با دیالوگ های کم و کوتاه و با قصه ای که پس این همه کم می شود. سینمایی که می خواهد با این عناصر تماشاچی را عمیقا به فکر فرو ببرد. اما واقعیت این است که سینمای تارکوفسکی (یا مثلا

کوبریک در ادسیه فضایی) الگوی خاصی از سینمای معناگرا (البته اگر اساسا قائل به چنین تعبیری باشیم) به حساب می آیند. در بین فیلم سازان اروپایی، کیشلوفسکی، برگمن و فلینی، نمونه هایی هستند از کارگردان هایی که فیلم به اصطلاح معناگرا می سازند. اما می شود آثارشان را به قصد لذت تماشا کرد. فیلم هایی که محوریت قصه در آن هویداست. از آن ها بیست تر، در سینمای پر زرق و برق و مملو از سکس و خشونت هالیوود هم به وفور می شود فیلم هایی در ژانر معناگرا سراغ کرد که گاهی به مراتب بیش تر از آثار تارکوفسکی، توانایی تلنگر زدن به تماشاچی را دارد. اگر مرد مرده ی جیم جار موش را متعلق به جریان اصلی هالیوود ندانیم، اما قصه ی عامه پسند تارانتینو، هفت فینجر، داگ ویل فون تریه و دور برگردان استون، بدون شک از تمام المان های سینمایی هالیوود (از شیوه ی روایی گرفته تا ساختار) بهره می برند. در عین حال هر کدامشان از بهترین نمونه های سینمای معناگرا به حساب می آیند. آن قدر که دکتر بلخاری سینما یک می تواند ساعت ها در باب هر کدامشان داد سخن بدهد! (عمدا از فیلم های دارابونت مثال نیاوردم!) اما در سینمای کشور ما، ظاهرا فقط الگوی نوع اول (تارکوفسکی و کوبریک در ادسیه ی فضایی)



نگاهی به فیلم «ماه همه خوبیم»

ماه همه سرکاریم

بهمن منصوری

نوع دوم (فلینی، کیشلوفسکی و برگمن) به عنوان سر مشق های سینمای معناگرا به رسمیت شناخته شده اند و هنوز خبری از فیلم های قصه گوی جذاب پرخرج که به جایگاه انسان در جهان هستی بپردازد نیست. جعفر پناهی و رضا میرکریمی به نوعی نماینده های الگوی نوع دوم به حساب می آیند. از نوع اول می توان به چند دو جین فیلم هایی اشاره کرد که مدام خبر نمایش یا جایزه بردنشان در جشنواره های خارجی را می شنویم و البته به خاطر ترس از گیشه، هیچ وقت خبری از اکران داخلی شان نیست.

«ماه همه خوبیم» بیژن میرباقری جز دو دسته ی دوم محسوب می شود. فیلمی که در جشنواره ی سال گذشته (۸۳) جایزه ی بخش سینمای معناگرا از آن خود کرد. میرباقری چندسال پیش از آن هم جایزه ی بهترین فیلم کوتاه را برده بود و از همان جاناتش سر زبان ها افتاد.

بدبختی هایشان، از بیماری پدر و تنهایی همسر بگیر تا مشکلات مالی، می گویند، آن هم بی هیچ پرداخت هنرمندانه ای، چه جذابی می تواند داشته باشد؟ سوژه ی ما همه خوبیم، شدیداً خطر افتادن در ورطه ی کلیشه های هزار بار دستمالی شده و تکراری را جلو پای کارگردان قرار می دهد و میرباقری هم بی هیچ واژه ای مستقیماً به دل این کلیشه ها می رود. او حتی نتوانسته از حضور دوربین فیلم برداری در فیلمش به عنوان یک چشم نکته سنخ و ریزبین (هم چنان که مثلا تورناتوره در سینما پارادیزو یا استون در قاتلین بالفطره از آن استفاده می کند) بهره ببرد. دست و پا زدن مذبحخانه ی کارگردان در دادن شاخ و برگ های فرعی و سطحی به داستان (مثل عشق برادر کوچک به

دختر همسایه یا مشکلات کاری خواهر) هم، هیچ کمکی به تحمل پذیردندش نکرده و مدام سوال «که چی؟» را برای تماشاچی پررنگ تر می کند.

سوال دوم که خوب بود میرباقری قبل از کلید زدن فیلم جدی تر به آن فکر می کرد، پایان بندی فیلم بود فیلم یک پایان بندی قابل پیش بینی می توانست داشته باشد و آن این که جمشید بعد از دیدن فیلم، تحت تاثیر قرار بگیرد و به آغوش مام میهن باز گردد. این پایان بندی، در عین کلیشه ای و قابل حدس بودنش، می توانست در صورت پرداخت خوب، اندکی از آلام تماشاچی حین دیدن فیلم بکاهد. اما این که رفیق مشکوک جمشید ناگهان غیبتش بزند و اثری از او نباشد و بعد هم مسوول بازبینی فیلم هادر ارشاد تحت تاثیر حرف های این خانواده قرار بگیرد، دیگر خیلی ضد حال است و یک جورهایی شائبه ی سرکاری بودن فیلم را تقویت می کند.

سینمای ایران مشکل کم ندارد. اما این سینمای معناگرا هم با این فیلم های ساکت سنگین تکراری شبه تجربی شبه مستند کم خرج، دیگر قوز بالا قوز است. کاش لااقل یکی پیدا می شد که حاضر بود برای فیلمش خوب پول خرج کند تا بیش تر از این حسرت تماشاچی یک پالپ فیکشن ایرانی را نکشیم.



ماوراء بنفش

روی پرده

مهدی حق باعلی

«ماوراء بنفش» عنوان فیلم جدیدی است که از این هفته در سینماهای آمریکاروی اکران رفت. «ماوراء بنفش» یک فیلم علمی - تخیلی است که در آن میلا جوویچ به ایفای نقش می پردازد.

فیلم حکایت یک سری تغییرات ژنتیکی بر روی دسته ای از انسان هاست که با این تغییرات تبدیل به موجوداتی سریع و غیر قابل مهار می شوند.

به وجود آمدن ترس عمومی در جامعه، موجب آن می شود که دولت نیز از این مساله احساس نگرانی کند و راسا وارد عمل شود و دستور به انهدام این موجودات ژنتیکی را بدهد. ماوراء بنفش سومین ساخته ی کرت ویمر بعد از فیلم های تعادل و عدالت مردانه محسوب می شود.

ویمر البته به ژانر علمی -تخیلی علاقه ی

خاصی دارد و فیلم قبلی اش، تعادل، هم در همین حال و هوای فیلم ماوراء بنفش ساخته شده بود. ماوراء بنفش از لحاظ ساختار سینمایی فیلم ضعیفی است و منتقدان با رتبه بندی D این فیلم، از آن به شدت انتقاد کرده اند.

فیلم نامه ی ضعیف (که نوشته ی خود ویمر است) و کارگردانی ضعیف تر، بدجوری کار دست این فیلم داده است.

هر چند که در هفته ی اول اکران خود، در رده ی چهارم Boxoffice قرار گرفت، اما خود تهیه کنندگان هم خیلی امیدی به فروش بالای آن ندارند.

استاد شجریان، ریش عصار و جام جهانی

مهدی حق باعلی



گرفته است، خواننده هایی بودند که از آن ها به عنوان «انتخاب شدگان فیفا» نام برده می شد. در این میان ناگهان فدراسیون فوتبال با تکذیب این امر، از خوانندگانی چون استاد شجریان، محمد اصفهانی و علی رضا عصار به عنوان نامزدهای خواندن این ترانه

نام برد و در این میان یکی از مقامات فدراسیون فوتبال شناس (!) استاد شجریان را برای این امر بیش تر از سایرین خوانده بود.

به هر حال بالاخره علی رضا عصار این کار را برعهده گرفت، کاری که با توجه به سابقه ی فعالیت عصار چندان متناسب با وی به نظر نمی رسد. این که چه طور علی رضا عصار با آن ریش بلندش و سبک دکلمه ی فاخرانه اش می خواهد یک آهنگ پر انرژی جام جهانی (ترانه ی جام زندگانی ریگی مارتین را به خاطر آورید) بخواند، هنوز برای دوست داران موسیقی علامت سوال است منتظر بمانیم و بشنویم.

هوافضا به اطلاع کلیه ی دانش جویان می رساند، سمینار آقای دکتر ادیب روز شنبه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۰ از ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵ در اتاق سمعی و بصری تشکیل می گردد./ دانشکده ی هوافضا

دانش جویان درس کنترل پیشرفته و دینامیک ترم گذشته برای گرفتن گزارشات مطالعاتی

خود به دفتر دانشکده مراجعه

نمایند./دانشکده ی هوافضا

برق آقای عبدالعظیم غلامی بیدخانی به آموزش دانشکده مراجعه نمایند./

دانش جویان زیر:

اخوان طباطبایی- شفیع قلیزاده - سید مصطفی پورصادق - فقیه خراسانی - محمد کریمی راد-

فرزانه عباسپور عرب گل - حمید بازرگان -ابراهیمی تلکو-علی بهناز -قاضی مقدم،لطفا دراسرع وقت به آموزش دانشکده مراجعه نمایند./

کامپیوتر کلاس درس آزمایشگاه نرم افزار گروه ۱: شنبه ۸۴/۱۲/۲۰

ساعت ۱۳:۳۰ در سایت گروه ۲: چهارشنبه ۸۴/۱۲/۲۴ ساعت ۱۵ در سایت گروه ۳: یکشنبه ۸۴/۱۲/۲۱

ریاضی ساعت ۱۳ در سایت برگزار خواهد شد./

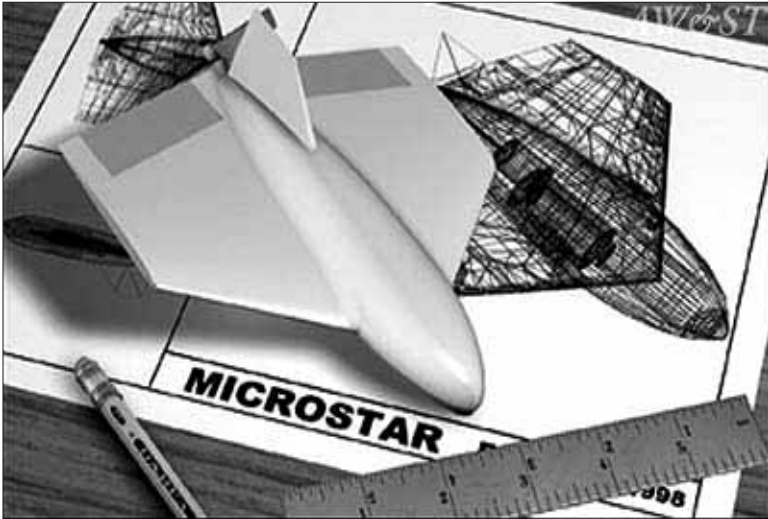
م.شیمی نمرینات سری سوم حل تمرین «کاربرد ریاضیات دکتر پیشوایی» از صبح یک شنبه ۸۴/۱۲/۲۱ در کتابخانه موجود می باشد./

ریاضی درس نظریه ی گراف ۲ (۲۲۱۵۲+) حذف گردید./ آموزش سریع تر به آموزش دانشکده

مراجعه نمایند./آموزش دانشکده

پژوهشکده‌ی هوافضای شهیدرضایی برگزار می کند:

اولین مسابقه‌ی طراحی و ساخت هواپیمای بدون سر نشین



WWW.nudc.irمراجعه کرده و مشخصات خود را در فرم ثبت نام وارد کنید»

مرحله‌ی طراحی مفهومی

کلیه‌ی تیم‌های شرکت کننده باید مرحله‌ی اول مسابقه، یعنی مرحله‌ی طراحی مفهومی (Design Conceptual) را به انجام برسانند، که برای دریافت حمایت از کمیته‌ی اجرایی باید طرح خود را برای ارزیابی به دبیر کمیته‌ی علمی، منجمی، تحویل دهند. زمان پایان مرحله‌ی اول تا پایان اردیبهشت ۱۳۸۵ است.

که جایزه‌ی تیم‌های اول و دوم و سوم به ترتیب یک میلیون، ۶۰۰ هزار و ۳۰۰ هزار تومان می باشد.

مرحله‌ی ساخت نمونه‌ی غیر پروازی

تیم‌های شرکت کننده در مرحله‌ی اول، صرف نظر از مقامی که در مرحله‌ی مذکور کسب می نمایند، می توانند مرحله‌ی دوم را ادامه دهند. این مرحله به ساخت نمونه‌ی غیرپروازی (Non-flying Prototype) مربوط است. که توانایی ساخت و دقت در جزئیات طرح و تطابق آن را با نقشه‌های مرحله‌ی مفهومی مدنظر دارد. کمیته‌ی علمی در این مرحله، سه تیم برتر را انتخاب و برای ارائه‌ی امکانات کارگاهی و نرم افزاری و کتاب‌ها، الویت خواهد داد. البته نحوه‌ی دریافت امکانات سایر تیم‌ها (غیر از سه تیم اول)، بستگی به نظر کمیته‌ی علمی دارد که حداکثر زمان برای این مرحله نباید بیش تر از ۹۰ روز شود. در این مرحله به نفرات اول تا سوم به ترتیب جوایز سه میلیون، دو میلیون، و یک میلیون تومان اهدا خواهد شد.

تیم فوتبال شریف کار خود را در رقابت‌های فوتبال دسته‌ی اول دانش جویان کشور در

اصفهان بادو شکست آغاز کرد. این تیم که با تیم‌های دانشگاه گیلان (نایب قهرمان دوره‌ی گذشته‌ی رقابت‌ها)، دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز هم گروه است، دو پیکار اول خود را با نتایج بسیار نزدیک به حریفان واگذار کرد. تیم فوتبال شریف در اولین بازی خود، صبح چهارشنبه به مصاف تیم گیلان رفت و با نتیجه‌ی دو بر یک بازی را به حریفش واگذار کرد. در این بازی شریف با یک گل خورده نیمه‌ی اول را به پایان برد. اما در نیمه‌ی دوم توانست در سایه‌ی حملات بسیار با گل محمد علی عباس پور از روی نقطه‌ی پنالتی، بازی را به گیلان بکشاند. هر چند این پایان کار نبود و گیلان موفق شد با یک گل دیگر اولین باخت را به شریف

مرحله‌ی ساخت نمونه‌ی پروازی کلیه‌ی تیم‌های شرکت کننده می‌توانند در این مرحله (Flying Prototype) شرکت کنند. اصول امتیازدهی در مرحله‌ی سوم بر مبنای کیفیت و دقت در آزمایشات پروازی است، که شامل برخی آزمایشات هم چون سرعت استتال، طول مسافت برخاست بدون بال جانبی و طول مسافت نشست بعد از برخاست اولیه می باشد.

شافعی در این باره گفت:«هم چنین یکی از ویژگی‌های مهمی که حتما باید هواپیمای مورد نظر داشته باشد، قابل حمل بودنش است.برای این منظور قطعات این هواپیما باید امکان تفکیک شدن از هم را داشته باشند و بتواند تا ۵ کیلو بار را حمل کند و هم چنین موتور هواپیما مهم نیست که الکتریکی و یاپیستونی باشد، و به منظور سبک بودن بدنه از جنس Composite استفاده کنند.» در این مرحله از مسابقه نیز به نفرات اول تا سوم به ترتیب هشت میلیون، شش میلیون و چهار میلیون تومان اهدا می شود. برای این

فوتبال شریف بادو شکست آغاز شد

حرکت بر روی لبه‌ی تیغ

تحمیل کند. باخت در نیمه‌ی اول صبح پنج شنبه در بازی دوم، باز هم به سراغ تیم دانشگاه آمد. البته این بار با شدت بیش تر. به طوری که دروازه‌ی شریف در نیمه‌ی اول سه بار در برابر تیم تهران باز شد، تا تهرانی‌ها ذهن داشته باشند. نیمه‌ی دوم آهنگ شریف به‌طور کلی تغییر کرد و مهدی ترابیان و محمد علی عباس پور موفق شدند دوبار دروازه‌ی دانشگاه تهران را باز کنند، اما چه فایده که سایر موقعیت‌هاییکس پس از دیگری به هدر رفت تا عدد دو در ستون باخت‌های شریف در جدول مسابقات ثبت شود. تیم دانشگاه در سومین بازی مرحله‌ی مقدماتی خوددیزرو به مصاف تیم تبریز رفت. با توجه

شریفی هانوروز را جشن می گیرند

شریفی‌ها این هفته آغاز سال نو را جشن می‌گیرند.

جشن سال نو دانشکده‌ی مکانیک امروز برگزار می‌شود. این جشن از ساعت ۴ بعدازظهر در دفتر فعالیت‌های دانش جویی مکانیک آغاز می‌شود و تا ساعت ۱۷ ادامه دارد. برای جشن امروز از اساتید دانشکده‌ی مکانیک هم دعوت شده است. از جمله برنامه‌های این جشن مسابقه‌ی رنگ کردن تخم مرغ است. هم چنین دوشنبه‌ی این هفته جشن بهاره‌ی دانشکده‌ی شیمی برگزار می‌شود. این جشن از ساعت ۴/۵ بعداز ظهر در طبقه‌ی چهارم دانشکده آغاز می‌شود. جشن نوروز دانشکده‌ی عمران هم، امروز ساعت ۴/۵ در اتاق ۲۰۲ عمران آغاز می‌شود.

بوفه در لوپ، آری یانه؟

شورای صنفی دانشکده‌ی متالورژی در نظر دارد تا درباره‌ی ساخت بوفه‌ی شورای صنفی دانشگاه، در لوپ جلوی این دانشکده، از دانش جویان متالورژی نظر خواهی کند. آذر، دبیر شورای صنفی دانشکده‌ی متالورژی، گفت:«هفته‌ی گذشته پیشنهاد درباره‌ی ساخت بوفه‌ی شورای صنفی دانشگاه در لوپ دانشکده مطرح شد که این امر با مخالفت شورای صنفی متالورژی همراه شد. البته ما با تأسیس خود این بوفه مشکلی نداریم، اما فکر می‌کنیم بهتر است در جای دیگری ساخته شود.به همین منظور می‌خواهیم در این باره از دانش جویان متالورژی نظر سنجی کنیم، تا در صورت موافقت آن‌ها، نظرشان را به شورای صنفی دانشگاه منعکس کنیم.» این نظر سنجی فردا از ساعت ۱۲ الی ۱۵ صورت خواهد گرفت. گفتنی است شورای صنفی دانشگاه از حدود دو سال پیش به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خود به فکر ساخت بوفه‌ی شورای صنفی دانشگاه افتاد. این امر با موافقت مسوولین دانشگاه همراه شد و حتی بودجه‌ی آن نیز تصویب شد، اما تاکنون کار اجرایی آن آغاز نشده است. از جمله مکان‌هایی که همواره برای مکان این بوفه مدنظر بوده است، لوپ دانشکده‌ی متالورژی بوده است که گویا این امر با مخالفت شورای صنفی این دانشکده همراه است و قرار است در جلسه‌ی آتی این شورا درباره‌ی آن بحث شود.

تجارت مدیران ادامه دارد

مجموعه سخنرانی‌های «آشنایی با چالش‌ها و تجارت مدیران» دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد، این هفته با برگزاری دو سخن رانی پی گیری می‌شود. امروز ساعت ۱۶:۳۰ الی ۱۸ مهندس مجتبی حسن علی عراق (مدیر سیستم‌ها و روش‌های شرکت سایکو)، درباره‌ی سیستم پیشنهادات در شرکت سایکو صحبت خواهد کرد. در روز یک‌شنبه نیز دکتر علی جعفری استاد دانشگاه استرالیادرباره‌ی «سنجش سلامت پروژه و برنامه» سخن رانی خواهد کرد. الگو و نرم افزار سنجش سلامت پروژه و برنامه از ابداعات دکتر جعفری استاد دانشکده‌ی عمران دانشگاه استرالیا و رییس کالج بین المللی آسیا-پاسفیک در سیدنی استرالیاست، که دکتر جعفری فردا از ساعت ۱۱ الی ۱۲:۳۰ در سالن اجتماعات دکتر مشایخی دانشکده‌ی مدیریت، به معرفی آن خواهد پرداخت.

کلید سوالات کارشناسی ارشد

از سوی معاون سازمان سنجش آموزش کشور اعلام شد: «کلید سوالات آزمون کارشناسی ارشدپس از نظر خواهی از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها، پایان هفته‌ی جاری در سایت سازمان سنجش آموزش کشور منتشر می‌شود.» دکتر پور کاظمی گفت:«نتایج اولیه‌ی آزمون کارشناسی ارشد طبق روال هر ساله، از پایان دهه‌ی سوم اردیبهشت به صورت کارنامه به داوطلبان ارائه می‌شود.» وی با بیان این که اعتراض‌ی از سوی داوطلبین به سازمان سنجش ارائه نشده است، گفت:«اعتراضات داوطلبین جدی نبوده و بیش تر ناشی از کم دقتی آن‌ها بوده است. اما سازمان سنجش به این گونه اعتراضات نیز رسیدگی می‌کند.»

پور کاظمی در خصوص ظرفیت پذیرش دانش جوی کارشناسی ارشد در سال آینده افزود:«سازمان سنجش اطلاعات کافی را در این خصوص جمع آوری نکرده است و برخی دانشگاه‌ها تاکنون ظرفیت‌های قطعی خود را ارائه نداده‌اند.»

روزنامه
<p>صاحب امتیاز:شورای فرهنگی دانشگاه مدیر مسوول :محمدهادی مظفاری ■ سردبیر:سیداحسان عمادی</p>
<p>تجزیه دبیر خیر، آروین زاوکیان دبیر گزارش:ایمان جلیلی سرویس خبر و گزارش: مهدی حق باغلی، فرشته حبیب اللهی، حامد شعبانی، رضا قزاقی، مینا و فی، مهدی جعفری، علیرضا مهدوی دبیر سرویس علمی:رضا قربانی گروه علمی:مریم زرعی،مینا والی دبیر سرویس هنری:سید احسان عمادی گروه هنری:مهدی حق باغلی، مسعود حقیقت‌دات،سید امیر خادم دبیر سرویس IT:مهدی قاسمی گروه IT:علی شیرزاد، فاطمه غلامعلیان دبیر سرویس اندیشه: مصطفی موفق دبیر سرویس عکس:امیر خادم کلرکلکتور: الهام عطایی‌آذر</p>
<p>تاریخ مدیر هنری و فنی:مهدی قاسمی چاپنشین:مدریفتی،محمد جواد عارفی صفحه آرا:روح الله جلیلو لی‌اوت خوان:هاشم صادقیه نمونه خوان:مهدی رزم‌آور ناظر چاپ:امیرنگین کبان حرف نگار:فاطمه خیرخواه مقدم،طاهره خیرخواه مقدم</p>
<p>تایپ مسئول دفتر:نیری کریمی امور اجرایی:اکبر صفرزاده دفتر روزنامه:ساختن چاپخانه، طبقه دوم تلفن: باخلی ۰۷۰۰۲۰۸، تلکس ۰۶۰۲۷۷۲۳ www.sharifdaily.com e-mail: info@sharifdaily.com</p>
<p>نقل مطالب و روزنامه فقط با ذکر منبع بلامانع است روزنامه‌ی دانشگاه دست همکار ی علاقه‌مندان را به گرمی می‌فشارد</p>